



شماره : 23

نشریه اسلامی



الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

فص برای دانشجویان

تاریخ: 2017/5/27

(ترا گویم ای مبارز)

صداقت :

از آنجائیکه یک مسلمان مجاهد در راستای هدف والای مشخصی وارد بیکار و مبارزه می شود، بدیهی است که در مورد فرهنگ مکتبش آگاهی لازم را دارد ، اهمیت و چگونگی ارتباط با اصناف و افشار گوناگون مردم را بخوبی درک نموده ، نقش یک شخصیت مبارز قهرمان را در میان قوم ، ملت و جهانیان بوجه احسن ایفاء می نماید. و از آنجائیکه منبع قانون و همه دساتیر وی قرآن و حدیث است ، لذا موضعگیری ها و تمام حرکات و سکناتش از اشخاص دیگری که ساخته و پرداخته قوانین وضعی اند ، کاملاً متفاوت می باشد شخص مسلمان در بعد اخلاقی هم دارای صفات حمیده بوده جمیع زوایات فردی و اجتماعی اش را بر اساس صداقت و سلوک شایسته و بایسته ی اخوت استوار نموده راهش را با جامعه از طریق مردمان صادق باز می کند، و با راستان محیط و ما حول صداقت را ایجاد می نماید. الله متعال فرمود : { یا ایهاالذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین } { ای مومنان از خدا بترسید و با راستان یار باشید } التوبه _ 119

صدق عبارت از مطابقت نمودن کلام با واقعیت و کذب عکس آن است پس ظاهر و باطن و سر و علانیت مومن یکسان بوده ، اعمال وی موافق با اقتضای اوامر شرع می باشد. شرع الهی مسلمان را به صداقت با شخص خودش و دیگران ترغیب و امر می نماید ، زیرا صداقت راستی سبب همه خوبی ها و نیکویی ها است و از دروغ گفتن تحذیر و امر می نماید ، زیرا کذب همه زشتی ها و پستی ها است . { عن ابن مسعود رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: ان الصدق یهدی الی البر و ان البر یهدی الی الجنة ، و ان الرجل لیصدق حتی یکتب عندالله صدیقا ، و ان الکذب یهدی الی الفجور ، و ان الفجور یهدی الی النار ، و ان الرجل لیکذب حتی یکتب عندالله کذابا } { از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : همانا راستی انسان را بسوی نیکوکاری رهنمائی می کند و نیکوکاری انسان را به بهشت رهنمون می گردد ، و همانا شخص راست می گوید تا اینکه نزد خداوند بسیار راستگو و صدیق نوشته

می شود ، و دروغ انسان را بسوی معاصی و گناهان سوق میدهد و گناهان انسان را بسوی دوزخ می کشاند و شخص همانا دروغ می گوید تا که در پیشگاه خداوند کذاب و بسیار دروغگو نوشته می شود} . متفق علیه

از ابو سفیان صخر بن حرب رضی الله عنه در حدیث طویل و درازش در داستان هرقل {هراکلیوس} نقل شده که هرقل گفت : { فماذا یامرکم _ یعنی النبی صلی الله علیه وسلم _ قال ابوسفیان : قلت : یقول : اعبدو الله وحده لا تشرکوا به شیئا ، و اترکوا ما یقول آباؤکم ، و یأمرنا بالصلاة ، و الصدق ، و العفاف و الصلّة }

ترجمه: ابوسفیان می گوید : گفتم : می گوید : خدای واحد را بپرستید و به او چیزی شریک میاورید و ترک نمائید آنچه را که پدران شما می گویند و ما را دستور میدهد که نماز بگذاریم و راست بگوئیم و پاکدامنی ورزیم و صله رحم را پیوسته بداریم . { متفق علیه

از حدیث فوق افزون بر فواید دیگر ، التزام داشتن پیامبر اسلام علیه الصلاة و السلام به صداقت دریافت می شود ، و اینکه در راستی زبانزد عام و خاص بودند بطوریکه حتی دشمنان به صادق بودن ایشان گواهی میدادند . صداقت صفت لازمه انبیاء علیهم السلام بوده از عکس آن معصوم اند ، و این صفت عالی باعث اعتماد کردن مردم به کلام ایشان می شد که خبر دادن از وحی الهی بود . شخص مجاهد راستکار می باشد و محل راست اندیشی وجدان و قلب انسان است وی بر اساس نیت خویش عمل می نماید ، که این امر سبب رضایت پروردگار می گردد ، هر چند آرزویش که جهت تحقق پذیرفتن آن سعی ورزیده است ظاهرا حصول نگردد ، زیرا انسان به سبب نرسیدن به آمال و آرزوهایش ملامت نمی شود ، بلکه بخاطر اینکه چرا در راستای هدفش پیکار و مبارزه نکرده است مورد نکوهش قرار گرفته سزاوار ملامتی می گردد

من طریق سعی می آرم بجا	لیس للانسان الاما سعی
دامن مقصود اگر آرام بکف	از غم و اندوه مانم بر طرف
ور نشد از جهد، کارمن تمام	من در آن معذور باشم والسلام

سعدی(رح)

برای یک شخص مبارز هدف والاتر از روحش می باشد ، لذا با کمال صداقت شهادت را در راه هدف متعالی از باریتعالی استدعاء می نماید ، در این صورت چون شهادت خواهی وی آگاهانه و از ته دل و با صداقت است ولو ظاهرا شهید نشود ، نزد الله متعال از درجات شهداء بهره مند می گردد ، زیرا وی در هر قدم جهادش صداقت و احتساب و نیت شهادت از باب استحباب نموده است . پیامبر علیه

الصلاة و السلام فرمود : { من سأل الله تعالى الشهادة بصدق بلغه الله منازل الشهداء ، و ان مات على فراشه } { کسی که از روی صدق و راستی از خداوند شهادت را طلب کند خداوند او را از درجات شهداء بهره مند می سازد ، هر چند بر بالینش بمیرد } . رواه مسلم

پس صداقت در قول و عمل یک مسلمان مجاهد تعبیری از اخلاق اصیل وی بوده ، حقیقت وجدانش را بازگو می نماید و صدق از دیدگاه مسلمان جز اضحار حق نمی باشد که اساس ایمان و عماد هستی را تشکیل میدهد ، لذا از آغاز مبارزه اش صداقت را منهای حیاتش میداند ، و میداند که از اقلیم امکان بعید است که مردم را بسوی اسلام که سراسر راستی است ، فرا خواند ، ولی گفتار و کردار خودش با حقیقت مابینت و مغایرت داشته باشد ، این امر در واقع وی را در ورطه نفاق می اندازد .

{ عن عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما ، ان النبی صلی الله علیه وآله وسلم قال : اربع من کن فیہ کان منافقا خالصا و من کانت فیہ خصلة منهن کانت فیہ خصلة من النفاق حتی یدعها : اذا اؤتمن خان و اذا حدت کذب ، و اذا عاهد غدر ، و اذا خاصم فجر . } { از عبدالله عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: چهار خصلت است که اگر آن چهار خصلت در هر شخص پیدا شود آن شخص منافق خالص است ، و اگر یک خصلت از آنها در وی باشد ، یک خصلت نفاق در او است تا که آنرا بگذارد ، وقتیکه امین شمرده شود خیانت می کند ، وقتیکه سخن بگوید دروغ می گوید ، وقتیکه عهد و پیمان کند غدر می کند و وقتیکه دعوا کند به فسق و فجور دست زده و دشنام می دهد. } متفق علیه

شخص مجاهد صادق و مبارز کامیاب چنان است که هر قدر به او نزدیک شوی ، فضایل اخلاق و نیکویی های بی شمار برایت می رسند مانند: انبیاء و صدیقین ، صالحین ولی شخصی کاذب و فریب کار نامراد چنان است که در نزدیکی با وی روز بروز چهره ای زشت وی به روز می کند مانند: منافقین و فریب کاران شیطان صفت ، همکاری با صنف دوم بیانگر جهل و ساده لوحی خواهد بود ، زیرا انحراف و شر اینگونه اشخاص که در واقع جز شمشیر کشیدن بر مکارم اخلاق نمی باشد ، به خود انسان همکار و همنشین نیز سرایت می کند .

سخن دروغ و شهادت کذب بیانگر موضعگیری فاسد است که مبنی بر فریب و خدعه بوده مصدر ذلت های ننگین می باشد.

{ عن ابی بکرۃ نفع بن الحارث رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: ألا أنبئکم بأکبر الكبائر؟ ثلاثا_ قلنا : بلی یا رسول الله ، قال: الإِشْرَاکُ بالله ، و عقوق الوالدین ، و کان متکئا فجلس ، فقال: ألا و قول الزور ، فما زال یکررها حتی قلنا : لیته سکت }

{ از ابو بکره نفع بن حارث رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:
آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره خبر نسازم؟_ و این سخن را سه بار تکرار نمودند_ ما گفتیم آری
یا رسول الله ، فرمودند: شریک آوردن به خدا ، و نافرمانی و آزار پدر و مادر . آنحضرت صلی الله علیه وسلم
تکیه کرده بودند پس نشست و فرمودند: آگاه باشید سخن دروغ و شهادت دروغ و آنرا به اندازه
تکرار نموده که گفتیم کاش سکوت می فرمود. {متفق علیه

شخص مسلمان با نیت و اراده جهاد و مبارزه در مرتبه رفیع و بلندی قرار می گیرد ، فریب و غدر به
کارش نمی آید زیرا او علیه همه انواع خیانت و غدر می رزمند ، و قهرمانی است که در میدان تاریخ ،
جانب داری اش را از انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین اعلان می دارد ، و اقتضای این جانب داری و
اقتداء از خط رسالت‌مندان ، شجاعت و صداقت و عدالت و نصیحت . و صفاء و وفاء می باشد ، وجدان
وی دیگر محل پذیرائی خیانت و فریب و کذب نیست ، بلکه طوریکه گفته آمد ، او علیه همه مظاهر
دغل کاری و نیرنگ بازی به مبارزه برخاسته است ، زیرا رهبر و الگوبیش از شخص خاین و فریب کار
اضهار بیزاری نموده است:

{ عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: من حمل علينا السلاح
فليس منا ، و من غشنا فليس منا . }

{ از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسیکه بر
ضد ما مسلمانان سلاح بردارد از ما نیست ، و کسیکه به ما خیانت کند از ما نیست . } رواه مسلم

**فداکاری و آرزوی جان دادن در راه دلداری برین و محبت ابدی درجه عاشقان حق را به مدارج و منازل
شهادت زنده ترفیع می بخشد . مبارزه آن زمان صادقانه خواهد بود که آفتاب صداقت در وجدان و ضمیر
مجاهد بدرخشد و همه داشتنی ها را فی سبیل الله از دست بدهد و بالمقابل هیچ چیزی نخواهد.
وصادق ترین مبارز کسی است که هر گامش با کلامش موازی باشد با این بینش که تاریخ شاهد
همه کارنامه هایش است که آنرا به نسل های آینده انتقال میدهد ، زیرا تاریخ هرگز با گذشت زمان
نمی میرد بلکه عمر این شاهد زنده مانند زبانش درازتر می شود .**

رضایت : * * *

شخص مبارز و آگاه از اعماق قلب معتقد به قضا و قدر می باشد ، زیرا می داند که ایمان داشتن به
قضا و قدر رکنی از ارکان ایمان است وی عقیده دارد که علم الله تبارک و تعالی شامل و محیط بوده ،
و تمام حوادث و وقایع را ذات اقدس او تعالی در لوح محفوظ کتابت فرموده است ، و مشیت او جل

جلاله نافذه و به طور کامل بر هر چیز قادر می باشد و هیچ چیزی در کائنات بدون اراده الله متعال واقع نمی شود ، زیرا همه کائنات مخلوق ذات خداوند جل جلاله بوده و هیچ کس در امر خلقت با او شریک نیست . آنچه را که الله تبارک و تعالی در { ام الكتاب } ثابت فرموده است ، هرگز تغییری در آن راه نمی یابد .

{ عن ابی العباس عبدالله بن عباس رضی الله عنهما ، قال : كنت خلف النبی صلی الله علیه واه وسلم

یوما فقال : یا غلام انی اعلمک کلمات : احفظ الله یحفظک ، احفظ الله تجده تجاهک ، اذا

سالت فاسال الله و اذا استعنت فاستعن بالله ، و اعلم ان الامة لو اجتمعت علی ان ینفوک بشیء ؛

لم ینفوک الا بشیء ، قد کتبه الله لک ولو اجتمعوا علی ان یضروک بشیء لم یضروک الا بشیء قد

کتبه الله علیک رفعت الاقلام و جفت الصحف {

} از ابی العباس بن عباس رضی اله عنهما روایت شده ، که گفت : روزی پشت سر پیامبر صلی الله

علیه وسلم { بر مرکب شان } سوار بودم ، آنحضرت فرمود : ای بچه من تو را چند کلمه بیاموزم :

نگهدار حدود خدا را ، تا نگهدارد خدا ترا ، نگهدار حدود خدا را تا بیابی او را روبرویت (بحفظ و تایید) ،

هر گاه در خواست و طلب نمودی فقط از خدا طلب کن ، و هرگاه خواستی کمک بجویی از خدا کمک

بجوی و یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا اینکه نفعی به تو برسانند ، نتوانند نفع رسانیدن بتو

، مگر نفعی که نوشته باشد خدا برای تو ، و اگر همه امت جمع شوند تا اینکه زیانی بتو برسانند

نتوانند زیانی به تو برسانند مگر زیانی که نوشته باشد خدا بر تو ، برداشته شدند قلم ها و خشک

شدند نامه ها [یعنی همه چیز در لوح محفوظ نوشته شده و بعلم خداوند تمام شده است] . { ترمذی }

حافظ ابن رجب در جامع العلوم والحکم می نویسد : آگاه باش که خواستن از الله متعال بر بندگانش

لازم می باشد ، زیرا حاجت خواهی اظهار تذلل و نیازمندی است و به قدرت ذاتیکه از وی سوال

می شود اعتراف صورت می گیرد در رفع ضرر و رسانیدن به آرزو و ارمان ، و انکسار و تواضع سزوار

کسی جزء ذات الله نمی باشد. بنابراین قلب مسلمان همواره به الله جل جلاله متعلق بود و او تعالی

را شاهد و ناظر دانسته حقوق وی جل جلاله را رعایت نموده ، و همه امورش را به خداوند تفویض

کرده و تنها به ذات الهی توکل می نماید.

در این صورت همه امور و شئون حیاتش اعم از سهولت ها و دشواری ها برای او خیر بوده و دارای اجر

و پاداش اخروی می باشد : { عن ابی یحیی صهیب بن سنان رضی الله عنه قال : قال رسول الله

صلی الله علیه وسلم : عجا لامر المومن ان امره کله له خیر ، و لیس ذلک لاحد الا للمومن ، ان اصابته

سراء شکر فکان خیراً له و ان اصابته ضراء و صبر فکان خیرا له . }

{ از ابو یحیی صهیب بن سنان رضی الله عنه روایت است که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: کار مسلمان انسان را به شگفتی و تعجب و امیدارد ، زیرا همه کارش برای او خیر است ، و این امر برای هیچکس جز مسلمان ممکن نیست ، اگر به وی فراخی و آسانی روی دهد شکر کند و این برایش خیر است ، و اگر به او سختی برسد ، صبر کند این هم برایش خیر است . } { مسلم }

هر کس بر حسب ایمانش مورد اختبار و آزمون واقع می شود ، که این آزمایشات از بشارت های حب الهی نسبت به بنده صالح به شمار می رود ، پس شخص مبارز که از تناوب و نوسان بری است با کمال استقامت با مصایب و متاعب بر خورد کرده ، صبر و شکیبایی را اختیار نموده ، ناشکری نمی کند و هرگز از دربار خداوند بزرگ نا امید نمی گردد ، و همواره چشم براه می باشد .

{ عن انس رضی الله عنه قال : قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : اذا اراد الله بعبد خيرا عجل له العقوبة فی الدنيا ، و اذا اراد الله بعبد الشر امسك عنه بذنبه حتی یوافی به یوم القیامة ، و قال النبی صلی الله علیه وسلم : ان عظم الجزاء مع عظم البلاء ، و ان الله تعالی اذا احب قوما ابتلاهم ، فمن رضی فله الرضا ، و من سخط فله السخط } { از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه واله وسلم فرمود: هرگاه خداوند به بنده اش اراده خیر نماید عذابی را در دنیا بر وی مسلط سازد و هرگاه خداوند بر بنده اش اراده شر کند عقوبت خود را از او باز دارد تا اینکه در قیامت او را به عذاب خویش گرفتار کند . آنحضرت صلی الله علیه واله وسلم فرمود: همانا پاداش بزرگ در برابر ابتلای بزرگ است و چون خداوند گروهی را دوست بدارد آنها را آزمایش می کند ، و آنکه راضی شود به ابتلای خدا ، خدا از او راضی می شود و هر که ناخشنود شود ، خداوند از او ناخشنود می گردد { ترمذی }

ناشکیبایی و نا صبری با اصول مبارزه منافات دارد و مسلمان در زندگی خویش به مشکلات غیر مترقبه و ناگهانی دچار می شود ، پس بر مومن است تا به قضاى خداوندی راضی بوده و در برابر مقدرات الهی هیچگونه اعتراض نکند ، بلکه در نخستین برخورد با مصایب راه صبر و شکیبایی را در پیش گیرد .

{ عن انس رضی الله عنه قال: مر النبی صلی الله علیه واله وسلم بامرأة تبکی عند قبر فقال : اتقی الله و اصبری ، فقالت : الیک عنی ، فانک لم تصب بمصیبتی ، ولم تعرفه ، فقیل لها : انه النبی صلی الله علیه واله وسلم ، فأنت باب النبی صلی الله علیه واله وسلم فلم تجده عنده بوأبین ، فقالت : لم اعرفک ، فقال : انما الصبر عند الصدمة الاولى } {

{ از انس رضی الله عنه روایت است که گفت : پیامبر صلی الله علیه واله وسلم از کنار زنی گذشتند که در برابر قبری می گریست ، فرمودند : از خدا بترس و صبر کن ، آن زن گفت ، از من دور شو زیرا تو به مصیبتم گرفتار نشده ای ، پیامبر صلی الله علیه واله وسلم را نشناخت ، به او گفته شد که این

شخص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است ، وی به آستانه خانه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آمده در کنار آن نیافت و گفت : ببخشید شما را نشناختم ، آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود : همانا صبر در برابر مصیبت نخستین است . { متفق علیه } رضایت در برابر مقدرات خداوندی و تفویض کردن امور به ذات الهی برای انسان ، حلاوت ایمان و ثبات و آسایش و سعادت را به ارمغان می آورد .

{ عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه ، ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قال : من رضی بالله ربا و بالاسلام دینا ، بمحمد رسولا ، وجبت له الجنة }

{ از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود : آنکه به ربوبیت خدا و دیانت اسلام و رسالت محمد صلی الله علیه وآله وسلم راضی شود بهشت برای او واجب می شود . { مسلم }

در حدیث شریف دیگری چنین وارد است :

{ ذاق طعم الایمان من رضی بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد رسولا }

{ طعم و لذت ایمان را آنکس می چشد که به ربوبیت خداوند و دیانت اسلام و رسالت محمد صلی الله علیه وسلم راضی شود . { مسلم }

این نوع رضایت واجب می شود که ایمان بدون آن صحیح نیست . هم { راضی بودن به الله } که در دو حدیث فوق ذکر شد و هم { راضی بودن از الله } که مسلمان به مصیبتی که از سوی خداوند بنابر حکمتش می رسد صبر می کند و از جمله والاترین اعمال قلب است ، در اثر تربیت و ریاضت تحقق پذیر است .

صحابه رضی الله عنهم که تحت تربیت مستقیم پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قرار داشتند ، از نعمت هدایت برخوردار بودند ابو درداء می گوید : { ذروة سنام الایمان : الصبر للحکم ، والرضی بالقدر } بالاترین کوهان ایمان : صبر کردن بر حکم و رضایت به قدر است

بعضی اوقات ، برخی مصایب عاید حال انسان می شود مانند وفات پسر که انسان را به گریه وامیدارد ، این کار منافی رضایت بنده به قضا و قدر نیست ، زیرا گریه ایکه بدون نعره و فریاد کردن و بر سر و پا زدن و گریبان پاره کردن باشد جایز بوده بلکه یکی از مظاهر مهربانی و نرمی قلب به شمار می رود. پیامبر مهربان صلی الله علیه وآله وسلم در موت فرزند گرامی ایشان ابراهیم رضی الله عنه گریه کردند :

{ عن انس رضی الله عنه ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم دخل علی ابنه ابراهیم رضی الله

عنه و هو یجود بنفسه ، فجعلت عینا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم تذر فان ، فقال له

عبدالرحمن ابن عوف : و انت يا رسول الله ؟ فقال : يا ابن عوف انها رحمة ، ثم اتبعها باخري ، فقال : ان العين تدمع و القلب يحزن ، ولا نقول الا ما يرضى ربنا ، و انا بفراقك يا ابراهيم لمحزونون { از انس رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر پسر خویش ابراهیم داخل گردید در حالی که جان میداد ، سپس چشمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اشکبار گردید ، عبدالرحمن بن عوف به ایشان گفت و شما یا رسول الله ؟ فرمود: ای پسر عوف هر ایینه این رحمت است ، و باز اشک ریخت و فرمود: همانا چشم اشک می ریزد و دل اندوهگین می شود ، و نمی گوئیم مگر آنچه که پروردگار ما را راضی می سازد ، و همانا به فراق تو ای ابراهیم غمگینیم { بخاری }

ابراهیم فرزند رسول خدا علیه الصلاة والسلام در سال دهم هجری وفات نمود ، که هجده ماه عمر داشت ، و مادر ایشان ماریه قبطیه رضی الله عنها می باشد .

و همچنان : { عن اسامة بن زيد رضي الله عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم رفع اليه ابن ابنته و هو في الموت ، ففاضت عينا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، فقال له سعد : ما هذا يا رسول الله ؟ قال هذه رحمة جعلها الله تعالى في قلوب عباده ، و انما يرحم الله من عباده الرحماء { از اسامه بن زيد رضی الله عنهما روایت شده که پسر دختر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در حالیکه در شرف موت بود به خدمتش آورده شد ، سپس از چشمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اشک ریخت ، سعد رضی الله عنه بر ایشان گفت : یا رسول الله این چیست ؟ فرمود: این رحمت است که خداوند در دل بندگان خود نهاده است ، و خداوند از میان بندگانش رحم دلان را مورد رحمت خویش قرار میدهد { متفق علیه }

دختر رسول خدا علیه الصلاة والسلام که در حدیث ذکر شد زینب رضی الله عنها بود . رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در هر دو حدیث شریف فوق الذکر هم مقام رحمت و مهربانی بر مخلوق را و هم مقام { رضایت از الله متعال } را ثابت فرمود.

بشارت :

* * *

از ویژگی های مجاهد مبارز یکی هم پیام داشتن توأم با مژده می باشد زیرا او بخوبی درک می کند که داشتن پیام با مژده دلیل بقای رسالتمند در دنیاست در غیر آن با ختم پیام هدفمند زیستن در این جهان فانی بی معنی است .

پس او از میان اقوال و افکار و فلسفه ها بهترین پیام را که بیانگر جهان بینی سالم است برای جامعه

پیشکش می نماید زیرا الله متعال آنانی را که از میان اقوال گوناگون ، سخن مفید را پذیرفته و متابعت می کنند ستوده است:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می دهند و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می کنند.

آنان کسانی که خدا هدایتشان بخشیده است ، و ایشان واقعاً خردمندند . سوره زمر آیه 18

قرآن عظیم الشان اهل ایمان و هجرت و جهاد را به نعمت های رحمت و رضوان و خلود در بهشت بشارت میدهد :

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

کسانی که ایمان آورده اند و به مهاجرت پرداخته اند و در راه خدا با جان و مال (کوشیده اند و)

جهاد نموده اند ، دارای منزلت والاتر و بزرگتری در پیشگاه خدایند ، و آنان رستگاران و به

مقصود رستندگان (و سعادت مندان دنیا و آخرت) می باشند . سوره توبه آیه 20

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

پروردگارشان آنان را به رحمت خود و خوشنودی (از ایشان که بزرگترین نعمت است) و

بهشتی مژده می دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند . سوره توبه آیه 21

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

همواره در بهشت ماندگار می مانند (و غرق در لذت و نعمتهای آن خواهند بود) . بیگمان در

پیشگاه خدا پاداش بزرگی (و فراوانی برای فرمانبرداران امر او) موجود است . سوره توبه آیه 22

پس اسلوب روش پیام دادن و مژده دادن از اسالیب و روش های قرآنی است که باید رعایت شود .

فرشتگان کسانی را که در ربوبیت و الوهیت الله هیچ چیزی را انباز قرار ندادند و اعتقاداً و عملاً به آن

ثابت قدم ماندند و انصراف از مسیر مبارزه بر حق را بسود باطل شمردند چنین مجاهدان مستقیم

الحال را مژده بهشت موعود می دهد :

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

کسانی که می‌گویند : پروردگار ما تنها خدا است ، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می‌ایستند ، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند ، و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و بدانان مژده می‌دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شد .
سوره فصلت آیه 30
پیامبر خدا علیه الصلاة والسلام نخستین خانم گرامی ایشان را که ام المومنین خدیجه رضی الله عنها بود و جان و مال خود را در خدمت اسلام و رسول خدا قرار داده بود ، به خانه ای در جنت مژده دادند :
{ عن ابی ابراهیم و یقال ابو محمد و یقال ابو معاویة عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه ان رسول الله صلی الله علیه وسلم بشر خدیجة رضی الله عنها ، ببیت فی الجنة من قصب ، لا صخب فیها ولا نصب }
{ از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم خدیجه رضی الله عنها را به خانه ای از نی در این جای مراد لولویست که داخلش خالیست در بهشت مژده دادند که داد و فریاد و خستگی در آن نیست . } متفق علیه .
آیات و احادیث زیادی به مژده دادن دلالت می نمایند امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت می نماید که گفت : ما در اطراف و جوانب رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم که ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز با ما بودند ، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم از میان ما برخاسته و تاخیر نمود و ما ترسیدیم که مبادا حادثه بدی به ایشان در غیاب ما رخ داده باشد و برخاستیم و من اولین کسی بودم که ترسیدم و به جستجوی رسول الله صلی الله علیه وسلم بر آمدم و به محوطه ای {باغچه} از انصار بنی النجار رسیدم و اطرافش را گشتم که آیا برایش دروازه ای پیدا خواهم کرد ولی دروازه ای نیافتم ، ناگهان جویچه ای را دیدم که از چاهیکه در خارج آن محوطه بود وارد آن میشد ، خود را جمع نموده و از این جویچه بنزد رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد شدم ، فرمود: ابوهریره می باشی گفتم : بلی یا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: چه خبر با خود داری ؟ گفتم : شما در میان ما بودید و بر خاستید و بر مردم تاخیر نمودید و ما ترسیدیم که مبادا در غیاب ما حادثه بدی به شما رخ داده باشد و سخت ترسیدیم و من اولین کسی بودم که ترسیدم و به این باغ آمده مانند روباه خود را جمع نمودم و داخل شدم ، و اینکه مردم در عقب من هستند .

انحضرت صلی الله علیه وسلم کفش های خود را به من داد و فرمود : [اذهب بنعلی هاتین ، فمن

لَقِيتَ مِنْ وَرَاءِ هَذَا الْحَائِطِ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُسْتَيَقِنًا بِهَا قَلْبُهُ ، فَبِشْرِهِ بِالْجَنَّةِ [] ای ابو هریره این دو کفش مرا ببر و هر کسی را که در عقب این دیوار دیدی در حالیکه از روی یقین قلبی شهادت می‌دهد که هیچ معبودی بر حقی جز خدا وجود ندارد ، مژده بهشت ده] و حدیث را به دراز ی اش ذکر نمود.

اخلاق مژده دادن و بشارت دادن در جوامع انسانی باعث ایجاد حس خوش بینی و خیر خواهی میان افراد جامعه گردیده ، اسباب خیر اندیشی همگانی را فراهم ساخته ، عوامل افسردگی و پژمردگی و اندوه و احساس مردود شدن و ضعف در برابر مشاغل زندگی و خلل روانی و جسمی و سایر مظاهر عجز را از انسان ها می زداید ، که این همه بیماریهای گوناگون روانی و جسمی زائیده زشت اندیشیدن ها و شگون بد گرفتن ها نسبت به افراد جامعه است ، که تعالیم اخلاقی اسلام آنرا از اخلاق سیئه کفار و منکران معرفی نموده ، شدیداً نفی می کند.

خداوند تبارک و تعالی درباره قوم فرعون می فرماید :

{فَإِذَا جَاءَهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ}

یعنی وقتیکه آسوده حالی نصیبشان میگشت می گفتند این همه فراخی و آسودگی شایان اوضاع خود ماست ولی هر گاه دچار مشکلات می شدند می گفتند این همه در اثر شومی و نحوست موسی و یاران اوست . سوره اعراف 131

خداوند در جواب آنها فرمود : [أَلَا إِنَّمَا طَّأْيَرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ] یعنی سبب نحوست و بدبختی حقیقی تان در علم خداست و آن عبارت از ظلم و عدوان و بغاوت و شرارت شما می باشد . بر اساس داستان دیگر قرآنی زمانیکه فرستاده های الهی که در آغاز دو شخص بودند و بتائید و تقویه ایشان فرستاده سوم بر [اصحاب القریه] گماشته شدند ، اصحاب قریه گفتند : از نحوست شما شر بر ما نازل شد ، ورنه قبل از شما به کمال سکون و آرام زندگی بسر می بردیم :

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

گفتند : ما شما را به فال بد گرفته‌ایم . (وجود شما شوم است و مایه بدبختی شهر و دیار ما است . سوگند می‌خوریم که از این سخنان) اگر دست برندارید ، قطعاً شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما خواهید دید . سوره یس آیه 18

فرستادگان چنین پاسخ دادند :

قَالُوا طَّأْيَرُكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

گفتند : شومی خودتان (که ناشی از کفرتان است) با خودتان همراه است (و اگر درست بیندیشید ، به این حقیقت واقف خواهید شد که تیره‌روزی شما ناشی از افکار منحط و اعمال زشت و عقیده پلشتی است که دارید ، نه این که به سبب دعوت ما به خداپرستی و انجام نیکیها و ترك بدیها باشد) آیا اگر یادآور گردید (به خدا و اوامر و نواهی او و چیزهایی که سعادت شما در آنها است ، باید ما دعوت‌کنندگان را شکنجه دهید و بکشید ؟ !) اصلاً شما گروهی هستید که (در سرکشی و کفر از حدّ درمی‌گذرید ، و در معاصی و زشتکاریها) اسرافکار و متجاوزید . سوره یس آیه 19

انسان هنگامی که از کویر تنگ نظری‌ها و بد نگری‌ها رهایی یافته و بدنیای وسیع و فطرت خیر خواهی و حسن ظن پا می‌گذارد ، به شخصیت فردی و اجتماعی اش یکنوع حیات دوباره می‌بخشد ، و مبارز هر چه خیر اندیش تر می‌شود با خودش و با جامعه اش بیشتر آشنا می‌گردد ، بر عکس بدشگونی‌ها و بد گمانی‌ها فاصله‌های بیگانگی‌ها را بیشتر می‌کند.

در مورد سخن خوش آیند گفتن و پرهیز از سخنان یاس آور که بد فالی و بد گمانی برای دیگران پدید می‌آورد احادیث زیادی وارد است که از آنجمله احادیث شریف ذیل را می‌توان نام برد [عن انس رضی الله عنه قال : قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : لا عدوی ولا طیره و یعجنی الفأل ، قالوا : و ما الفأل ؟ قال : کلمة طيبة] { از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : هر بیماری سرایت کننده نبوده و بد فالی کار پسندیده ای نیست و از فال خوشم می‌آید گفتند : فال چیست؟ فرمود: سخنی نیکو . { متفق علیه

رسول خدا صلی الله علیه وسلم که الگو و پیشوای مجاهدان و مبارزان اند در تمام عمر مبارک و همه ابعاد و زوایای دعوت همواره با امید و بشارت حرف و قدم می‌زدند و از بد فالی و بدشگونی بیگانه بودند . [عن بریده رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه وسلم کان لا یتطیر .] { از بریده رضی الله عنه روایت است که گفت : پیامبر صلی الله علیه وسلم بد فالی نمی‌نمود . { رواه ابو داود

بدشگونی معنویات را ضعیف نموده ، باب خوف و نگرانی و سوء خلق و بدگمانی و سایر بیماری‌های روانی را گشوده ، باعث نقص در عقل و فساد در تدبیر و خلل در اراده می‌گردد ، که علاج آن در مجاهده علیه وساوس شیطان نهفته است تا در اثر استمرار این مجاهده و ایمان به قضاء و قدر و حسن ظن و توکل ، آثار بد فالی و بد اندیشی از قلب زائل گردد، زیرا خداوند متوکلانرا دوست میدارد و

در جمیع امور و همه شئون آنها را یاری می فرماید : [فاذا عزم فتوکل علی الله ، ان الله یحب المتوکلین] { پس چون عزم کردی پس توکل کن بر خدا ، هر آینه خدا دوست میدارد توکل کنندگان را } آل عمران _ 159

همچنان استعاذه و پناه بردن به ذات واحد الله جل جلاله بهترین تدبیر نجات از وسوسه های شیطانی می باشد تا بدینوسیله مجاهد دعوتگر مغلوب ابلیس نشده ، حسن سلوک و گفتار نیکو و پیام خجسته را معمول خود سازد . الله متعال فرمود :

وَمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

هرگاه وسوسه‌ای از شیطان (در این مسیر) متوجه تو گردید (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت کن و) خود را به خداوند بسپار (و به سایه لطف او پناه بر) که او بس شنوا و آگاه است (و تو را می‌پاید و محافظت می‌نماید) . سوره فصلت آیه 36

همچنان از عروه بن عامر روایت است که گفت : در نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم موضوع بد فالی یاد شد ، پس فرمود: بهتر آن فال و نیک اندیشی است ، و نباید بد فالی مسلمان را از عزمش باز دارد ، اگر یکی از شما چیزی را ببیند که بد می پندارد باید که بگوید: [اللهم لا یأتی بالحسنات الا انت ، و لا یدفع السببَات الا انت و لا حول و لا قوة الا بک] { ای خدا نیکی را غیر از تو کس دیگری نمی آورد و بدی را غیر از تو دیگری دفع نمی کند و نیست گردیدنی از معصیت و قدرتی بر طاعت جز به توفیق تو . } ابو داود

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَفْصَةَ